

رویکرد کیفی در آموزش نظری معماری،

مفهوم مکان در کلاس درس سیر اندیشه ها^۱

آرزو صدوقی^۱، غلامحسین معماریان^۲، سید محسن فاطمی^۳ و حسام کمالی پور^۴

چکیده: آموزشهای نظری خصوصاً در رشته های هنر و معماری در دوره تحصیلات تکمیلی متوجه نظریات پایه اندیشمندان در شاخه های مختلف این رشته ها بوده که اغلب به شکل خطی و یک سویه از دانش مکتوب در کلاسهای درس انتقال داده می شود. هدف این تحقیق، در نقد روشهای کمی رایج، خطی و یک سویه در کلاس نظری، پیشنهاد روش کیفی است که بتواند با مشارکت مستقیم دانشجویان، ارتباط نزدیک مصرف کننده با بنا را در مفاهیم نظری انتقال دهد. در اینجا، مفاهیم نظری را در مفهوم مکان و تجربه بودن افراد در مکان به عنوان یکی از مباحث رابطه فرد و محیط جستجو کرده است. رویکردی کیفی که توسط این تحقیق در دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت در دوره کارشناسی ارشد گرایش مسکن برای نخستین بار مطرح شد بر پایه یکی از روشهای تحقیق کیفی در ادراک محیط با عنوان پدیدارشناسی شکل گرفت. هدف زیربنایی این روش، فهم تجربه بودن است که در اینجا به منزله ارتباط مستقیم و زنده دانشجویان با محیط معماری است. لذا از سر فصل کلاس سیر اندیشه با محوریت شکل گیری معماری، مسئله ای که در این باب طرح گردید جایگاه مفهوم مکان و چگونگی درک آن بود. بنابراین، دانشجویان با قرارگیری در مکانی که قبلاً آن را تجربه نکرده اند، به طریقی متفاوت از مطالعه صرف در مکان قرار گرفته و با آن مکان ارتباط برقرار کردند. نتیجه ای که در نهایت از این تجربه بدست آمد، درک جایگاه مفهوم مکان که به ارتباط استفاده کننده و معماری بر می گردد توسط دانشجویان ارشد معماری بود که البته تا پیش از آن غالباً خود را در جایگاه حرفه مند معمار قلمداد می کردند.

کلمات کلیدی: مفهوم مکان، تجربه بودن، آموزش نظری معماری، تعامل

۱- مقدمه

بر اساس این محور، درباره شکل گیری معماری رویکردهای گوناگونی نظیر رویکرد تحلیلی تاریخی صرف، کارکردگرایی، شکلی، معناگرایی و مفهومی مطرح می شود. در تجربه ای که در این تحقیق برای کلاس درس سیر اندیشه ها انجام شد، رویکرد کلی آموزش آن نظریه ها در کلاس درس پیوسته با طرح پرسش هایی، آن رویکردها را مورد تحلیل قرار می دهد؛ این پرسش ها و تحلیل ها تا طرح مسئله ای به نام مفهوم مکان و چگونگی ادراک آن توسط گروه سازندگان بنا ادامه یافت. طرح مسئله مفهوم مکان در کلاس کاملاً غیر مستقیم با این پرسش همراه بود که با بررسی هر کدام از نگرش های تاریخی آیا می توان بعد تازه ای را به آنها افزود که ارتباط مصرف کننده با مکان را نیز بیشتر مد نظر داشته باشد؟

مفهوم مکان در دو نگرش کلی درون^۲ و بیرون^۳ مسئله جدیدی را در ذهن دانشجویان باز کرد که کلیه انسان های در ارتباط با معماری را در دو دسته کلی قرار می دهد. یکی

اگر آموزش معماری را در دو قالب نظری و عملی دسته بندی کنیم، در دوره تحصیلات تکمیلی، قالب نظری از جایگاه مهم تری برخوردار است. در این دوره، درس سیر اندیشه ها در معماری به بررسی مفاهیم نظری و فکری اندیشمندان معماری می پردازد تا دانشجویان با رویکردها و دیدگاه های آنها در طول تاریخ بیشتر آشنا شوند. یکی از محورهای طرح درس نامبرده در گرایش مسکن در دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، کاویدن رابطه نظام فکری معمار و فرایند شکل گیری معماری در طول تاریخ است.

تاریخ دریافت مقاله ۸۹/۸/۱۶، تاریخ تصویب نهایی ۸۹/۱۲/۲۳

^۱ پژوهشگر دکتری، دانشکده معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران،
(نویسنده مسئول)، پست الکترونیکی: Ar_Sadoughi@iust.ac.ir

^۲ دانشیار، دانشکده معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران
آستاد، دانشگاه بریتیش کلمبیای کانادا و فلوشیپ فوق دکترا دانشکده
روان شناسی دانشگاه هاروارد

^۴ کارشناس ارشد، دانشکده معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران

در ساخت مکان، تفسیری از محیط معین را بیان می‌کند [۵ و ۴]. از این منظر، کنت فرامپتون^۹ رابطه‌ای را که بین معنای درک شده، وابستگی به مکان و طراحی معماری می‌تواند برقرار شود، طوری بیان می‌کند که در صورت عدم برقراری این رابطه دیالکتیک، هیچ امیدی به خلق مجدد مکان نیست [۶]. بنابراین می‌توان سطوح ادراکی مکان را با تجربیات انسان‌ها در آن از ابعاد شناختی و هیجانی مورد تحلیل قرار داد. و ضرورت این تجربیات را در مفهوم مکان بیان نمود.

در این تحقیق رویکرد آموزشی در مفهوم مکان، تجربه دانشجویان در مکان به صورت زنده در نظر گرفته شد و سؤال اصلی تحقیق در خصوص سطح تجربه آنها در محل و درک جایگاه استفاده کنندگان و ضرورت توجه به آنها مطرح شد. با تجربه زنده و بودن در مکان، دانشجویان تحصیلات تکمیلی می‌توانند پیوستگی مطروحه بین نگرش درون و بیرون را به صورت غیر مستقیم در ذهن خود طرح ریزی نموده و به اهمیت آن مهم پی ببرند. این روش آموزش می‌تواند مکمل روش‌های استاد محور و خطی صرف در دروس نظری معماری باشد که صرفاً به انتقال تئوریک نظریات در کلاس می‌پردازد.

۲- روش تحقیق

۲-۱ پدیدار شناسی

پدیدارشناسی معادل فنومنولوژی و علم شناخت پدیده هاست، آن گونه که به اصل وجودی آن پدیده و شناخت عمیق آن برسد. این تعبیر را هوسرل به عنوان پدیدار شناسی کلاسیک مطرح کرد. هایدیگر و گادامر از پیشروان این مکتب فلسفی، علم پدیدارشناسی را با تأویل در هم آمیخته و شناخت پدیده‌ها را در درک درونی^{۱۰} عمیق از پدیده‌ها می‌دانند؛ اما ریشه لغوی^{۱۱} phenomenon، در یونانی "Phainomenon" به معنی هر چیزی که نمایان است [۷]. پدیدار شناسی به عنوان یکی از روش‌های کیفی فهم مسائل تحقیقاتی امروزه در بسیاری از حوزه‌های علمی از جمله پرستاری، روان شناسی تربیتی، آموزش و محیط کاربرد دارد. پدیده می‌تواند یک نوع بیماری، یک رفتار و یک مکان باشد که شناخت با فهم تجربه ای بودن^{۱۲} با آن پدیده مطالعه می‌شود [۹ و ۸].

معماران و برنامه‌ریزان در مقیاس معماری و شهر و دیگر مردمی که از فضای ساخته شده استفاده می‌کنند. معماران و برنامه‌ریزان معمولاً نگرش بیرون به درون را داشته و استفاده کنندگان نگرش درون به بیرون را داشته‌اند. در این رابطه دیوید سیمون^۴ پیشنهاد می‌کند که تحقیقات مربوط به مکان، معطوف به بررسی ارتباطات درون ساختاری مکان، مانند دیالکتیک بیرون و درون، گردد [۱]. نوربرگ شولتز، موفقیت آدمی در تعریف عرصه درونی و بیرونی و درک درست آن را در معنای سکنی گزیدن آدمی بیان می‌کند. وی در این باره می‌گوید: «وقتی که مکان‌ها با محیط و نسبت به یکدیگر تأثیر متقابل داشته باشند، موضوع درون و بیرون پیش می‌آید. ظاهراً در درون بودن، هدف اولیه و متعاقب مفهوم مکان است. یعنی دور بودن از آن چیزی که در بیرون قرار دارد.»^۵ روشی که بتواند عملی کردن نظریه پیوستگی و برقراری دیالوگ بین درون و بیرون را محقق سازد از نگاه سیمون، روش پدیدارشناسی است. می‌توان گفت که روش پدیدارشناسی راهی را نشان می‌دهد که نگرش بیرون به درون از سوی طراحان، که در آن معمولاً الگوها^۶ شاخص می‌شوند^۷، با تحرکات تجربی متأثر از افراد استفاده کننده به صورت توأمان درک شده و قابل تدبیر گردد [۲].

مسئله‌ای که در موضوع مفهوم مکان در اینجا قابل توجه است، یکی تأکید بر جایگاه تجربه استفاده کنندگان در شکل‌گیری معماری است و دیگر سطحی از مفهوم است که با این تجربه قابل درک و انتقال می‌باشد. یک فرد زمانی که در مکان یا مکان‌ها زندگی می‌کند، در آن محیط غوطه‌ور می‌شود و سؤالی در ذهن او درباره این جایگاه مسلم^۸ در مکان برایش پیش نمی‌آید [۲]. میزان ارتباط انسان و مکان و درک او، سطحی از مفهوم مکان را نشان می‌دهد و در این مفهوم رلف بحثی را پیرامون پیوستگی نگرش درون و بیرون مطرح کرد که برای دستیابی به طراحی مطلوب، توجه به دانش طراحان و تجربه استفاده کنندگان در کنار یکدیگر ضروری به نظر می‌رسد [۳]. شولتز نیز فهم انسان از محیطی که تجربه می‌کند را در سطوح آگاهانه یا ناخودآگاه به صورت تداوم رو به رشد می‌داند که متأثر از تناظر او در کشش‌های طبیعی محیط است. وی این ارتباط را نظیر ارتباط فطری با طبیعت می‌داند که حرفه‌مند معمار

تجربه می‌کنند، مکانی می‌شود که طرح مسئله این تحقیق است.

۲-۲ فهم تجربه بودن

در اینجا مسئله قابل توجه، ارتباط تجربه بودن و مفهوم مکان^{۱۸} است. چنان که گفته شد، پدیدارشناسی به طور مستقیم به فهم تجربه بودن یا تجربه زیسته اشاره دارد و شناخت پدیده‌ها را بر طبق ادراک استفاده کنندگان بررسی می‌کند. مفهوم مکان نیز چنان که گفته شد با تجربه انسان معنی می‌یابد و به همان نسبت ابعاد و عوامل مختلفی را در بر می‌گیرد. تجربه بودن فرد در مکان همان نگاه پدیدار شناسانه‌ای [۱] است؛ به ارتباط فرد و استفاده کنندگان با مکان که با زندگی در آن مکان و گذر زمان عمق و گسترش می‌یابد، مرتبط است [۳].

درک عمیقی که در ارتباط با مکان برای افراد تجربه می‌شود، بالاتر از تجارب مصنوعی و عملکردی مکان، مفهوم مکان را عینی می‌کند [۳]. این نوع نگاه به پدیده مکان در حوزه علوم جغرافیا و معماری منظر بسیار بیشتر از معماری در محیط ساخته شده مورد بررسی بوده است. محققین در این باره شناخت مکان را با تجربه بودن افراد در آمیخته و جوهره اصلی آن را با زندگی و تعامل استفاده کنندگان در آن عین می‌دانند. مکان دوستی^{۱۹} [۱۸] و شخصیت مکان [۱۵] واژه‌هایی هستند که در اثر این دیدگاه برای مفهوم مکان بیان شده است. تجربه عمیق که توسط حس‌های افراد مختلف در مکان به دست آمده، برآمده از ناخودآگاه انسان است که با مکان همراه شده است [۳]. بنابراین ارتباط بین مفهوم مکان و تجربه بودن در مکان پیش از این و در ابعاد مختلف مورد توجه اندیشمندان بوده است. نگرش «رلف» به موضوع، که گسترش این درک را از مکان با گذر زمان در مکان و زندگی کردن در مکان همراه می‌داند، در این تحقیق مورد نظر نویسندگان بوده است. فهم تجربه بودن در مکان می‌تواند به شکل کاملاً عینی، ذهنی و عمیق نگاه صرف بیرون به درون یک سازنده معمار را به نگاهی متفاوت از منظر استفاده کننده و از درون به بیرون تبدیل کند و ارتباط معمار را با مردم استفاده کننده از محیط ساخته شده ارتقا بخشد.

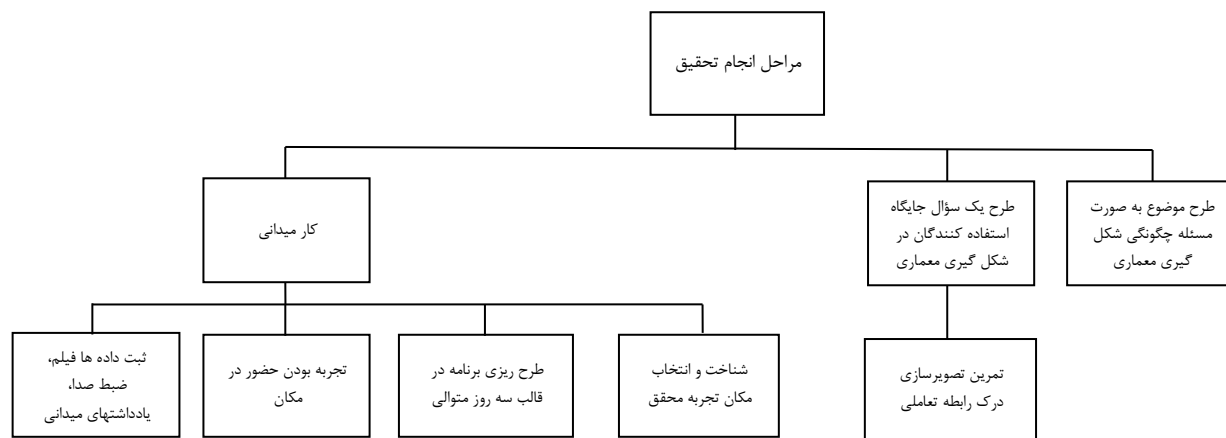
این علم، علم مطالعه تجربیات افراد است [۱۰]. محقق پدیدارشناسی در پارادایم کیفی به دنبال توصیفی^{۱۳} از جوهره اصلی پدیده است که توسط افراد تجربه می‌شود؛ که شامل یکی آنچه که افراد تجربه کردند و دیگر این که چگونه آن را تجربه کردند، می‌شود [۹]. روش تحقیق پدیدارشناسی از انواع روش‌های کیفی به طور کلی به جای پرسش‌های از پیش تعیین شده و پیمایشی به دنبال فهم تجربه افراد با فرارگیری در محیط است. آنچه که افراد از پدیده مورد مطالعه، تجربه کرده‌اند، و توصیف آن همان‌گونه که تجربه می‌شود، هدف این روش تحقیق است [۱۱و۸]. این تجربه، وضعیت محیطی، اتفاقات، حرکات و معانی درک شده را همان‌طور که در زندگی روزمره^{۱۴} انسان رخ می‌دهد، آشکار می‌سازد. توصیف این تجربه همان تجربه زیسته [۱۲و۸]، با رویکرد ارتباط فرد با محیط [۱] است. انجام روش انتخابی این تحقیق از انواع پدیدارشناسی به کمک ابزارهای تحقیق کیفی، نظیر مشاهده یا مصاحبه‌های عمیق امکان پذیر می‌باشد [۹]. این روش، پدیدارشناسی را در یکی از انواع رویکردهای تحقیق رفتار محیط^{۱۶} قرار می‌دهد [۱۳و۱]. در حقیقت محقق کیفی سعی بر آن دارد که از کسانی که پدیده را تجربه کرده‌اند، بخواهد که تجربه خود را بیان کنند به این معنی که بودن خود را توصیف کنند.

در این تحقیق پدیدارشناسی، پدیده مورد مطالعه مکان است. از دیدگاه شولتز، مکان‌ها اساساً همان چیزی‌اند که هستند [۱۴] و محیط فیزیکی را واجد کیفیت‌هایی ذاتی می‌داند و مداخله انسانی در مکان را زمانی موفقیت آمیز تلقی می‌کند که شخصیت اصلی مکان شناخته شده باشد؛ به طوریکه ایجاد محیط‌های انسانی با شخصیت مکان سازگار باشد [۱۵]. تعریف مکان با حضور فرد یا افراد در فضا شروع می‌شود و تا برقراری تجربه و ارتباط با محیط آن مکان رشد می‌یابد. «توان» مکان را محلی می‌داند که مردم در آن به خاطر رسیده باشند [۱۶]. در همین زمینه، این ارتباط با محیط از طریق احساس، خاطره، تصور و ناخودآگاه آدمی اتفاق می‌افتد و در تأکید این موضوع «پالاسما» این طرق را به عنوان جایگاه نظری در حقانیت تجربه انسان در محیط بیان می‌کند [۱۷]. پس جایی که فرد یا افراد در آن قرار می‌گیرند و بودن خود را در آن

۲-۳ هدف تحقیق

در این تحقیق کلیه شرکت کنندگان، دانشجویان کارشناسی ارشد معماری بودند. آنها در تعاملی که با محیط برقرار می‌کردند، آن را تجربه نمودند. چنان که در بخش روش پدیدارشناسی گفته شد، فهم آنچه که تجربه می‌کنند و چگونگی این تجربه همان هدف مورد نظر تحقیق است. از آنجا که در مسافرت‌های دانشجویی، آنها در مدت کوتاهی بناهای متعددی را بازدید می‌کنند و کمتر در یک بنا توقف بلند مدت دارند، در این تحقیق با موضوع آموزش معماری، هدف این بود که آن چیزی که می‌توانسته غیر از اندیشه‌های فرمی کالبدی در شکل‌گیری فضا تأثیر داشته باشد، درک شود. در این خصوص در طراحی تحقیق نیز ضروری به نظر می‌رسید که تجربه مکانی دانشجویان به گونه‌ای باشد که قرار گرفتن و بودن در مکان از یک بازدید علمی معمارانه فراتر رفته و بنابر تمرین تصویرسازی^{۲۰} (که در بخش مراحل تحقیق شرح داده می‌شود)، تعاملی عمیق با محیط برقرار کنند. قرار گرفتن در مکان مورد نظر درست در همان ساعت استفاده از مکان یعنی ظهر و بعد از ظهر، برنامه‌ای بود که در طی ۳ روز متوالی سفر در منطقه مورد نظر تنظیم شد. این برنامه با این هدف بود که به کمک تجربه زنده، مفهوم مکان توسط کلیه دانشجویان درک شود. این تجربه عملی برای یادگیری مسئله مهم شناخت مکان در طراحی و مبانی نظری معماری بسیار حائز اهمیت می‌باشد. رویکرد معنایی به مکان با ادبیات تئوری شاید به صورت یک شعر یا پدیده‌ای نمادین در معماری مطرح شود؛ اما بعد از تجربه زنده به نظر می‌رسد که با ایجاد تعامل واقعی در مکان پدیده مفهومی مکان، آشکارتر و با اهمیت‌تر از گذشته مورد مطالعه در طراحی معماری قرار بگیرد.

نمودار ۱ مراحل تحقیق



۲-۴ مراحل انجام تحقیق

فرآیند آموزش کیفی در کلاس درس «سیر اندیشه‌ها در معماری» در قالب چند مرحله برنامه ریزی شد.

مرحله اول: طرح سؤال در باب شکل‌گیری معماری و نقد نظریات معماری.

این مرحله طرح مسئله‌ای در کلاس به عنوان چگونگی شکل‌گیری واحدهای معماری بود. این مسئله با این هدف طرح شد تا به طور کلی دیدگاه‌های مختلف سیر مبانی نظری اندیشمندان بزرگ دنیا همواره به صورت یک سؤال در ذهن دانشجویان مرور گردد.

مرحله دوم: طرح سؤال در باب جایگاه استفاده کنندگان در شکل‌گیری، تمرین تصویرسازی در ارتباط برقرار کردن با محیط ساخته شده.

این مرحله در حقیقت یک آماده‌سازی و تمرین تصویرسازی نسبت به محیط است که ذهن جستجوگر را برای تجربه میدانی تحقیق آماده می‌سازد. در حوزه روانشناسی این تمرین به متوجه کردن ذهن به اجزا و اندام‌های محیط که در نظر اول کمتر مورد توجه آنها بوده است، اشاره دارد. نیز پیوند این اجزا با هم و در نهایت رسیدن به درکی از کل محیط را مد نظر دارد. نمونه‌ای از این تمرین‌ها قرار گرفتن در یکی از مکان‌های باز دانشگاه بود که اغلب دانشجویان از آن گذر می‌کردند و در پایان تأثیری که از گفته خود آنها برداشت شد این بود که آن مکان را به نحو متفاوتی تجربه می‌کردند و در تمرین انجام شده متوجه چیزهایی شدند که تاکنون متوجه نشده بودند. (نمودار ۱).

معنا کرده که «در لغت به معنی شو به معنی تاریک و سیاه و شب می‌باشد، دان پسوند است که در معنی می‌شود اینجا را تاریک بدان [۲۰]». در شهر دزفول به دلیل گرمای بالا، اغلب بناها در معماری این شهر خصوصاً منازل مسکونی، فضای زیرزمینی با عمق متوسط ۱۲ متر در دل زمین حفر می‌کردند [۲۱]. در هنگامی که گرمای هوا به حد نهایت خود می‌رسد فضای تمام سایه ایوان هم برای زیست مناسب به نظر نمی‌رسد و بادهای گرم شب‌های تابستان باعث می‌شود که مردم نتوانند روی بام بخوابند. ساکنین خانه به شوادان‌ها رفته و مادامی که شدت گرما ادامه داشته باشد، شاید تا پایان روز به سطح زمین نیایند [۲۲]. محیط داخلی آن به کمک کانال‌های تهویه عمودی و افقی، در حد آسایش با اختلاف درجه حرارت حدود ۲۰ درجه نسبت به هوای طبیعی، خنکای مطبوعی را برای ساکنان فراهم می‌آورد. ساکنان دزفول در اغلب ساعات بعد از ظهر روزهای گرم سال در این مکان زندگی می‌کردند.

مکان شوادان برای این تحقیق به چند دلیل انتخاب شد. بنابر خواست‌های تحقیق، مکانی می‌بایست انتخاب می‌شد که تاکنون توسط دانشجویان تجربه نشده باشد. این مهم از آن جهت بود که پیشینه حضور هر فرد در مکان روی حالات و درک مکان او تأثیر می‌گذارد. از طرفی دیگر ویژگی‌های خاص محیطی، علت دیگر انتخاب این مکان بوده است.

از ویژگی‌های محیطی شوادان می‌توان به نپوشاندن بدنه‌های آن محیط با اندوده‌های ساختمانی و دیگری عدم ارتباط غیر مستقیم با فضای بیرون زمین اشاره کرد. این ویژگی‌ها می‌تواند ساختاری زنده^{۲۱} را در محیط انسان ساخت با ظاهری متفاوت به وجود آورد. از آنجا که نگرش حس مکان، از دورن به بیرون، در ساختارهای مدرن^{۲۲} کمتر دیده می‌شود و در اغلب محیط‌های سنتی و بومی تجربه شده است، نمونه‌ای سنتی و بومی از مکان زندگی می‌تواند در این طرح نزدیک‌ترین انتخاب باشد (شکل ۱).

فرآیند کار میدانی: فهم تجربه بودن در شوادان

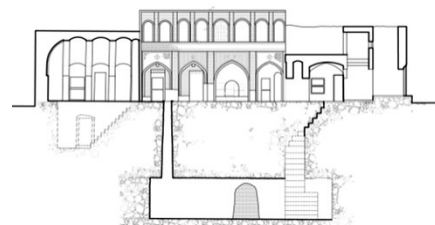
فرآیند کار میدانی به عنوان مرحله سوم تحقیق چندین بخش را شامل شد. در این مرحله کلیه افراد گروه، بین ۳۰ دقیقه تا ۳ ساعت در سه روز متوالی در مکان قرار گرفتند.

مرحله سوم: کار میدانی، حضور در مکان.

این مرحله در قالب ریز بخش‌هایی مطابق هدف تحقیق، برنامه‌ریزی شد. انتخاب مکان مناسب، استمرار در حضور در مکان، زمان حضور در سه روز و چگونگی ثبت تجربیات به وسیله ابزارهای کیفی، بخش‌های مورد توجه این مرحله بودند (نمودار ۱). تعاملی که بین تیم و مکان اتفاق افتاد از بعد پدیدار شناسانه به صورت داده‌های کیفی، مشاهده و مصاحبه، جمع‌آوری و ثبت و تحلیل شدند. در ادامه فرایند تحقیق در مرحله سوم، کار میدانی، به تفصیل بیان می‌شود.



شکل ۱ شوادان خانه عبدی، مکانی که در ظهر روز اول تجربه شد. مأخذ: نویسنده دوم



شکل ۲ برش از شوادان خانه عبدی، مأخذ: نویسنده دوم و اول (مقیاس: ۱/۵۰۰)

مکان انتخاب شده، خانه دزفولی: شوادان

شوادان به عنوان فضای زیرزمینی در خانه که برای خنک شدن در گرمای دزفول مورد استفاده ساکنان بوده است تعریف می‌شود. وجه تسمیه واژه شوادان، چنانچه بررسی شد، عبارتی بود به نام «شوونه» در ادبیات شوشتری که به معنی آبی است که در اثر وزش نسیم خنک می‌شود [۱۹]. نیز در متون نزدیک‌تر نعیم با سابقه کاوش‌های میدانی در دزفول و نویسنده کتاب دزفول شهر آجر آن را این گونه

چنان که گفته شد، پدیده مورد مطالعه در اینجا، مکان، و نمونه موردی، شوادان در خانه دزفولی، است. افراد گروه شامل ۹ نفر شرکت کنندگان، و نیز محققین در سه روز متوالی شوادان را تجربه کردند. بخش‌های مختلف این مرحله در ذیل به تفصیل شرح داده می‌شود.

انتخاب شوادان مناسب: اولین ملاک برای انتخاب خانه‌ها، داشتن شوادان و سالم بودن و قابل زیست بودن آن بود؛ به این معنی که کانال‌های تهویه عمودی و افقی آن باز بوده و نیز ساختار معماری آن سالم باشد. لذا از ۹ خانه بازدید شده ۴ نمونه آن که قابل زیست بود انتخاب گردید. شوادان‌های بازدید شده از هر دو شهر دزفول و شوشتر بودند. دو شهر دزفول و شوشتر در همسایگی یکدیگر و در خانه‌های این دو شهر شوادان از مهم‌ترین مکان‌های زندگی می‌باشد. سعی بر آن بود که شوادان در هر دو شهر تجربه شود. البته این انتخاب با بازدید یکی از محققین یک هفته پیش از حضور گروه شرکت کننده در محل انجام شده بود. لازم به توضیح است که در ۴ نمونه منتخب تجربه بودن به صورت جمعی انجام شد. در شوادان دو فضای مجزا که به آن کت می‌گفتند قابل استفاده بود، که یکی مورد استفاده آقایان و دیگری برای خانم‌ها مهیا بود.

طرح‌ریزی برنامه در سه روز متوالی: گروه تحقیق به طور جمعی در دزفول ۲ نمونه مکان را در روز اول، روز دوم یک نمونه و روز سوم یک نمونه شوادان را در شوشتر تجربه کردند، تا تجربه بودن در شوادان به صورت یک زندگی اتفاق افتد.

حضور در مکان و ثبت داده‌ها: در هنگام بودن در مکان؛ دانشجویان درک و تجربه خود را از مکانی که در آن قرار گرفتند به صورت نوشتاری و شفاهی بیان می‌کردند و به اجزا و اندام‌های تشکیل دهنده آن مکان توجه داشتند و توصیفی که آنها از کل مکان می‌کردند، تعامل آنها از محیط و درک مکان را بیان می‌نمود. مشاهدات توسط محقق در لحظات قرارگیری در مکان به صورت یادداشت‌های میدانی و عکس و فیلم و مصاحبه نیمه ساختاری با ضبط گفته‌های شرکت کنندگان در مکان با کسب اجازه از خود آنها، و بعد از خارج شدن از آن انجام گرفت.

روز اول برنامه از پیش از تعیین شده بود. شوادانی که در این روز تجربه شد، متعلق به خانه عبدی در محله سیاهپوشان دزفول بود. (شکل ۱ و ۲) از آنها خواسته شد که احساس خود را بیان کنند، در حالی که به طور آرام روی زمین دراز کشیده و عواملی از جمله گوشی تلفن همراه و ساعت و هر چیز دیگر کنار گذاشته شود. «سکوت»؛ تلاش محقق در این لحظه آن بود که شرکت کنندگان در آن مکان راحتی بیشتری احساس کنند^{۳۳}. برخی شروع به بیان احساس‌شان در همان لحظه کردند، «آدم حس آرامش داره (شماره ۶)» سکوت خاصی داره حالتی داره که تخلیه روانی می‌شود ... رهایی «یک جایی واسه خودته اگر هم کسی باشه باز احساس می‌کنه خودشه» (شماره ۴) «آدم خودشو درک می‌کنه» (شماره ۶) «دوست دارم شمع روشن کنم یک چیز گرم باشد اون وسط» (شماره ۵) «هوای بیرون است، هوای خانه نیست احساس می‌کنی سقف ندارد می‌دونی که بسته است ولی حس بسته بودن ندارد» (شماره ۶).

روز دوم همه با میل خود در شوادان خانه تیزنو در محله قلعه استراحت کردند. این خانه هم اکنون میراث فرهنگی دزفول است. احساس رضایت کامل و میل به بودن مجدد در شوادان و در خانه وجود داشت و هیچ مصاحبه‌ای انجام نشد. از شرکت کنندگان خواسته شد که تجربه بودن را بنویسند. محیط کاملاً ساکت بود و دانشجویان در حالی که در آرامش به فکر رفته بودند، میل به بلند شدن و بیرون رفتن نداشتند. موجی از هیجان مثبت ولی بی‌آزار و آرام در همه شرکت کنندگان وجود داشت. برخی روی پله نشسته، افراد خیلی راحت و آسوده قرار گرفته بودند. نسیم خنکی جریان داشت و نور طبیعی از دریچه سقف به داخل آمده بود. نیز کسی تمایل به روشن کردن چراغ نداشت (شکل ۳).

روز سوم بعد از بازدیدهای صبح تا ظهر به دلیل گرمای هوا نیاز به فضایی خنک احساس می‌شد و ناهار در شوادان صرف شد. بعد از ناهار برنامه آزاد اعلام شد تا دانشجویان خود مکان بودن شان را انتخاب کنند. گروهی به بیرون رفتند و گروهی درون شوادان مستقر شدند. اکثر حاضرین تمایل به خاموش شدن چراغ داشتند. چراغ به عنوان عاملی از نور مصنوعی در مکان نسبت به ویژگی‌های طبیعی محیط مزاحم به نظر می‌رسید. همه در ابتدا به دنبال زیر انداز بودند؛ ولی بعد از خاموش شدن چراغ این مسئله

که در این تحلیل، یافتن درونمایه‌ها، «تلاش برای یافتن الگوی معانی مورد نظر از پدیده‌های تجربه شده توسط شرکت کنندگان می‌باشد [۱۳]». درونمایه‌ها در پدیدارشناسی به عنوان ساختارهای تجربه درک می‌شوند و در واقع می‌توان گفت که بیانات مقوله‌بندی شده و فرموله شده معانی‌اند [۱۰].

تجربه بودن در شوادان طی برنامه سه روزه این تحقیق، توسط ۱۳ نفر شامل دانشجویان ارشد معماری و مدرسین درس سیر اندیشه در معماری، محققین، و دو نفر از دانشجویان دزفولی انجام شد. از بین این ۱۳ نفر به جز ۸ محققین، ۸ نفر از روی میل خود در تمام مراحل تحقیق شرکت کردند. تحلیل‌های نهایی نیز بر طبق تجربه همین ۸ نفر انجام شد. داده‌های تحقیق، شامل مشاهدات محقق، نوشته‌های شرکت کنندگان در هنگام ماندن در مکان، گفته‌های ضبط شده آنها در شوادان و مصاحبه‌هایی در ادامه بود.

آنچه که به عنوان درونمایه‌ها به دست آمده براساس تحلیل بیانات فرد به فرد شرکت کنندگان به موارد مشترک بین آنها اشاره دارد. درونمایه‌ها مفاهیمی هستند که مفهوم مکان را بر طبق تجربه افراد گروه شرکت کنندگان نشان می‌دهند. بعد از تحلیل فرد به فرد، در نهایت برآیند آنچه که از گفته‌های آنها و مشاهده محقق به دست آمد، به صورت توصیفی، تأثیر تجربه زنده را بر ادراک دانشجویان از محیط بیان می‌کند (جدول ۱).

براساس تمام درونمایه‌های به دست آمده و مشاهدات محقق مضامین مشابهی از مفهوم مکان تجربه شده نشان داده شد شرکت کنندگان بعضاً تمایل به بیرون آمدن از آن مکان را نداشتند. تعاملی که بین دانشجویان و محیط برقرار شد، نوع متفاوتی از بودن را در مکان نشان داد. تفاوت این بودن، در حالات، رفتار و گفتار آنها به چشم می‌خورد. هیچ کلام اعتراض‌آمیز، اظهار خستگی و بی‌هودگی شنیده نمی‌شد. مکانی که تجربه شد، بخشی از یک خانه، خصوصی‌ترین واحد معماری، اما بی هیچ شباهت ظاهری با خانه‌های امروزی، هنوز زنده بود. دور بودن از دنیای مادی، آرامش، سکوت، تفکر، سادگی و امنیت توصیفی از مکان تجربه شده، شوادان است. بودن در شوادان ترجیحی بر مکان‌های دیگر، پیام‌هایی از عناصر محیطی، در دل

فراموش شد. سکوت؛ با خاموش شدن چراغ که حاضرین خود پیشنهاد دادند، در حالی که مطالبی را می‌نوشتند، بیانات آنها آغاز شد «وای من چه جائیم (شماره ۶)» (درست زیر دریچه شوادان بود که نور به داخل تابیده می‌شد) و تقریباً همه به صورت آوایی «وای» احساس شعف کردند. سکوت مستولی شد. با لبخند «آخیش» شرکت کننده شماره ۳ در حالی که زانو جمع نشسته بود با چشمان بسته احساس راحتی داشت. برخی می‌خندیدند، خوشحال و پرانرژی و آرام «می‌آییم/ اینجا/ انرژی می‌گیریم، دوباره می‌ریسم بالا (شماره ۶)» «خستگی آدم در میره (شماره ۹)». به نظر می‌رسید تغییر محسوسی در رفتار همه ایجاد شد؛ در رفتار و در نگاه همه، هیچ کس ناراحت، عصبانی و نگران نبود. شادی و انرژی و شعف در فضا موج می‌زد و بدون استثنا همه می‌خندیدند.



شکل ۳ تجربه روز دوم، شوادان خانه تیزنو، بخشی از روزن کانال تهویه در سقف مشاهده می‌شود. مأخذ: نویسنده دوم

۳- نتایج و بحث

درونمایه‌ها: داده‌ها در این تحقیق مبتنی بر تجربه انسانی حالات، تجربیات و مردم است. ابزار تحلیل داده‌ها، استنتاج عقلی و ذهنی است که به آن تحلیل محتوایی می‌گویند و به کمک خود شرکت کنندگان، و مؤلفه‌هایی که در خود بستر معماری به صورت کاملاً علمی و منطقی شکل گرفته‌اند توضیح و تبیین می‌شوند. در مصاحبه‌های نیمه ساختاری، به ترتیبی که سؤالات اول و دوم و ... جداگانه تحلیل می‌شوند، تحلیل سؤال یا تحلیل محتوای می‌گویند [۱۳]. برای یافتن جوهره و معنی، تحلیل محتوایی البته با ساختار پدیدارشناسانه و مبتنی بر تجربه در جهت بروز درونمایه‌ها یا تم‌ها خواهد بود. می‌توان گفت

جدول ۱ درونمایه های به دست آمده و گزینشی از بیانات شرکت کنندگان

شماره ۸	شماره ۷	شماره ۶	شماره ۵	شماره ۴	شماره ۳	شماره ۲	شماره ۱	درونمایه بیانات شاخص
آرام اینجا نشستم نه صدایی نه فکری..	فرا تر از طبیعت، آرامش	وقتی چشمانم را بستم و سکوت کردم آرامشی را دیدم که همیشه آرزویم را داشتم	رهاشدم، امنیت، آرامش	چه آرامشی، چه تنهایی، چه سکوتی... هر زمان که می‌خوام فکر کنم و آرامش پیدا کنم.	در آغوش مادرم آرام گرفتم، حس پاک	آرامش است و سکوت	امنیت روحی، با صدای بلند می‌تونم فکر کنم.	آرامش
این همه تو دزفول درس خوندم ولی اینجا خیلی فرق می‌کنه.	حس درویشانه زندگی	اکنون دور از زندگی روی زمین، فقط به فکر لحظه و بودن	... انگار که از بیرون فرار کرده باشم	... و گویی از فضای بیرون جدا شدم و در مکانی خاص قرار می‌گرفتم.	در خاک، در دل زمین دلم می‌خواد زندگی کنم	تفاوت قرارگیری در فضایی متفاوت را حس می‌کنم، اتفاقی که در بالا نمی‌افتد.	سکوتی از جنس زمین، در دل جایی که روزی از آن برخاستم.	حس تفاوت با محیط بیرون
		چرا نمی‌تونم اینجا بمانم؟ خدایا! چرا خانه ام این گونه نیست	فقط به فکر لحظه و بودن، بودنی که هیچ گاه تا به امروز نبود. امروز هستم و می‌خواهم که باشم	کاملاً به فضای شوادان تعلق پیدا کرد، دوست دارم هر زمان که می‌خواهم فکر کنم و آرامش پیدا کنم به شوادان احتیاج دارم،	تا آخر عمر دنبال این فضا خواهم گشت... دلم می‌خواد از دنیای این زیر بیرون نیام،	چه جای مناسبی برای خودشناسی، ای کاش چندین روز اینجا زندگی می‌کردم	نبود آن را در تهران احساس می‌کنم	حس نیاز به فضایی مشابه در مکان زندگی
هیچ چیز نیست، خیلی راحت، درون زمینم	عمیق یادآور گذر از زندگی، اعتکاف دعا، مراقبت از نوع عرفانی	چون موبایلامون هم آنتن نمی‌ده یک جوری بیشتر حس می‌کنیم که از همه چیز جدانیم	و به جایی که فقط من باشم و خدا و آرامش پنهان شده.	فرار از مردم، فرار از دغدغه‌ها، انگار به دل خاک پناه آورده‌ام و می‌تونم ساعت‌ها در سکوت این فضا آرام بگیرم. ...	در خاک، در دل زمین دیگری است، من دیگر آن انسان قبل نیستم که در خیابان‌ها می‌رود	پایین آمدن از دنیای مادی، ارتباط به خود	به یاد آغاز خویش، پایان زندگی مادی	دور شدن از دنیای مادی
درون زمینم	همبستگی حضور	آدم خودشو درک می‌کنه. باد خنکی بر روی صورتم مرا به خواب برد	انگار چیزی از طبیعت شدم	سقفش با دیوارها ترکیب شده، من در تاریکی شوادان و خنکای باد.. نشستم... می‌تونم دستام رو بلند کنم و آن را لمس کنم	قاطی زمین دارم شنا می‌کنم، من در آغوش زمین... آرام‌تر، آرامم	من خودم نیستم، زمینم!	زمینی که همه بودنش را در خود ریخته	یکی شدن با محیط
		اینجا همه چیز هست، صمیمیت سنگ، بوی خاک، سکوت لحظه‌ها،	اینجا عشق عمق داره	- تضاد تاریکی و روشنایی مکانی برای تفکر، و سکوت این فضا به من و به اطرافیانم اجازه نمی‌داد بلند صحبت کنیم،	خلوص این فضا پر از معنویت است، دیگر هیچ شکلی مهم نیست	در دل تاریکی نور است، می‌توان به راحتی خدا را دید	نور یک پیام، همه چیز از جنس یکدیگرند، همه چیز ساده و خالص	توجه معنایی به محیط و اندامها
حس آرامش دعا، انگار تنهایی ولی نیستی، بدون نگرانی	اعتکاف دعا	آدم خودشو درک می‌کنه وقتی چشمانم را بستم و سکوت کردم آرامشی را دیدم که همیشه آرزویم را داشتم	احساس با خدا بودن، امنیت، خلوص	می‌تونم بخواهم تا ساعت‌ها به درون خود فکر کنم... اینجا مکان تنهایی من است...	در زمینی خوابیده‌ام که جزء اویم... بیشتر با خودم آشنا می‌شوم.	می‌توان به راحتی خدا را دید.	در خودم نشسته‌ام... امنیت روحی، با صدای بلند می‌تونم فکر کنم	امنیت روان

بخشی از زندگی از صرف ناهار تا استراحت روزانه و گفتگو به نحوی که به آنچه در گذشته اتفاق می‌افتاده است، انجام شد. تجربه مداوم این مکان در مصاحبه آخرین روز سفر نکته جالبی را نشان داد و آن درک عمیق مفهوم زندگی در شوادان بود. آنچه که از این مفهوم می‌توان برداشت کرد، عمیق شدن ارتباط شرکت‌کنندگان با مکان تا درجه‌ای بود که به آن مأنوس شده بودند. درک مکان در این درجه از ارتباط به شدت نشان از تجربه زندگی است که تک تک شرکت‌کنندگان با اندام‌ها و خود مکان به عنوان یک کل داشته‌اند.

در نهایت آخرین گفتگو با دانشجویان نشان داد، که حسی از درون خویش را برانگیخته و نگاهی متفاوت به معماری بومی خود پیدا کرده و عمیقاً احساس می‌کنند که این معماری چه تفاوتی با معماری امروز دارد. تأثیر دیگر درک این تفاوت و دیدگاه جدید در ادامه کلاس درس و سمینارهای دانشجویان ارائه شد. مثلاً از آنجا که برنامه کلاس در ارائه نظریات معماران مطرح دنیا به صورت سمینار بود، بسیاری از دانشجویان تجربه شخصی‌شان را در مقام مقایسه با نظریه مطالعه شده قرار داده و درک مطلب را به بحث گذاشتند. این تحقیق، به عنوان اولین تجربه، در آموزش کیفی درک مکان در معماری، در درس سیر اندیشه‌ها در معماری، می‌تواند بسیاری از نظریات معماری را از ابعاد شکلی، اقلیمی، تاریخی و از این قبیل را نقد و تحلیل کرده و امکانی برای بسط عمیق‌تر و گسترده‌تر این روش در فهم اندیشه‌های معماری در دانشگاهها باشد. اضافه بر این، برای درک مفاهیم بزرگی چون فرهنگ و اجتماع، بیان نظریه‌های مکتوب شاید به تنهایی برای انتقال مطلب کافی نباشد و روش تجربه بودن بتواند در این مهم مفید و کارا باشد.

پی‌نوشت‌ها

¹ این مقاله به عنوان بخشی از رساله دکترای نویسنده اول و گزارش تحقیقی است که در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ در دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران در درس سیر اندیشه‌ها در معماری دوره کارشناسی ارشد معماری گرایش مسکن انجام شد.

² Insiderness

³ Outsiderness

⁴ D. Seamon

زمین بودن، خاک، خلقت انسان از خاک، نور، هوای سبک، ساده بودن همه چیز (جدول ۱) از معانی به دست آمده بود. اما دو نکته بسیار جالب حاصل شده از سه روز تجربه زنده، یکی رسیدن به ادراکی عمیق و پیوند نزدیک با محیط بود و دیگر این که این احساس کاملاً تدریجی و در طی سه روز متوالی اتفاق افتاد، تا جایی که در روز سوم به درجه عمیق تعلق مکان رسید. در این خصوص با تک تک شرکت‌کنندگان در روز سوم و بازگشت، به طور انفرادی مصاحبه انجام شد و درونمایه به دست آمده از آن درک زندگی شوادان و مفهوم آن بود. سکوت و آرامش مکان و متفاوت بودن با محیط بیرون در روز اول احساس شد. ولی با بودن در شوادان در طی سه روز و زندگی کردن در آن، صرف ناهار و استراحت دو تا سه ساعته به عمیق شدن ارتباط دانشجویان با شوادان و اجزای آن بسیار کمک کرد. بیانات شرکت‌کنندگان در مصاحبه آخر مضامینی نظیر «بالاخره حسش کردم»، «الان که تو تهرانم بهش نیاز دارم»، «با شوادان خو گرفته بودیم» و «زندگی اش را درک کردم» «با شوادان خو گرفته بودیم، دوستش داشتیم، آن را می‌خواستیم که در زندگی مان باشد»، به دست آمد. روز بعد از پایان سفر، اکثریت نیاز به شوادان را احساس می‌کردند، دیگر در تهران شوادان نبود... این نیاز نشان از همین مهم، یعنی تعامل انسان و محیط، و ادراک آن بود.

۴- نتیجه گیری

این تحقیق، با روش کیفی پدیدارشناسی، به دنبال درک پدیده مکان در آموزش معماری، تعاملی را که فرد می‌تواند با محیط برقرار کند مورد آزمون قرار داد. یافته‌های تحقیق، در زمینه‌های مختلف بروز کرد. یکی درونمایه‌هایی که از توصیف مکان توسط شرکت‌کننده به دست آمد که توصیفی از بودن در مکانی به نام شوادان بود. نیز برآیند تعاملی که در تجربه مکرر شوادان در سه روز متوالی به دست آمد، بعدی تازه از مکان را در ذهن دانشجوی درس سیر اندیشه در معماری باز نمود. بر اساس رویکرد پدیدارشناسی درک مکان، تجربه بودن در شوادان، به طور کلی، مکانی امن، آرام و متفاوت از محیط بیرون توصیف شد؛ جایی که هیچ زندگی مادی و زرق و برقی مشابه بیرون زمین در آن نیست. تجربه بودن با گذران

- (pp. 157-78), New York, Plenum [reprinted in Turkish in Mimarlik Kulturu Dergisi Magazine of Architectural Culture], Spring-summer, Vol.2, 2000, pp.36-60.
- [2] Seamon D., *Phenomenologies of Environment and Place, Phenomenology + Pedagogy*, 1983, Available at:
<http://www.atl.ualberta.ca/po/articles/template.cfm?ID=368>, Vol.2, No.2, 2010, pp.130-135
- [3] Relph E., *Place and Placelessness*, London, Pion, 1976.
- [4] Norberg-Schulz Ch., *Genius Loci: toward a Phenomenology of Architecture*, Edinburgh, Rizzoli, 1980, p.168.
- [5] Norberg – Schulz Ch., *the Phenomenon of Place*, in: Nesbitt K., (Ed.), *Theorizing A New Agenda for Architecture, an Anthology of Architectural Theory 1965-1995*, NewYork, Princeton Architectural Press, 1996, p.424.
- [6] Frampton K., *on Reading Heidegger*, in: Nesbitt K.,(Ed.), *Theorizing A New Agenda for Architecture, An Anthology of Architectural Theory 1965-1995*, New York, Princton Architectural Press, 1996.
- [7] Oxford Advanced Learner Dictionary, Dictionary Section, 7nd software version, 2007.
- [8] Van Manen M., *Researching lived-experience: Human science for an action sensitive pedagogy*, (2nd ed.), London, Ontario, Canada, The Althouse Press, 1997.
- [9] Creswell J.W., *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Approaches*, Thousand Oaks: Sage Publication, 2007.
- [10] Van Manen M., *Researching Lived-Experience: Human Science for an Action Sensitive Pedagogy*, (2nd ed.), London, Ontario, Canada, The Althouse Press, 2006.
- [11] Seamon D., *A Lived Hermetic of People and Place: Phenomenology and Space Syntax*, Istanbul: Conference Proceeding, 6th International Space Syntax Symposium, 2007.
- [12] Heidegger M. *The Basic Problems of Phenomenology*, Translated, Albert Hofstadter, Indiana, Indiana University Press, 1982.
- [13] Mugerauer R., *Interpretations on behalf of place: environmental displacements and Alternative Response*, State University of New York Press, 1994.
- [14] Norberg-Schulz Ch., *Genius Loci: Toward a Phenomenology of Architecture*, Edinburgh, Rizzoli, 1980.
- [15] Seamon D., *the Phenomenological Contribution to Environmental Psychology*, Journal of
- ر.ک: نوربرگ شولتز، ک. (۱۳۵۳). هستی، فضا و معماری، ترجمه محمد حسن حافظی، تهران، انتشارات تهران.
- 6 patterns
- ۷ مفاهیم و تئوری‌هایی که می‌توان توسط گروه حرفه‌مندان نام برد، نظیر ترجیحات محیطی (environmental preference)، نقشه برداری شناختی (cognitive mapping)
- 8 Taken-for-granted
- 9 K. Frampton
- 10 Essence
- 11 "Phainomenon" thing appearing to view, based on phainein to show
- 12 Lived-experience
- 13 Description
- 14 Everyday life
- 15 First-person phenomenological research
- 16 Environment-behavior study(EBS)
- 17 Places are essentially what they are...
- 18 Sense of place
- 19 Topophilia- as literary love of place, *Webster New International Dictionary*
- 20 Visualization
- 21 Living structure ، به معنی ساختاری است که مانند یک کل عمل می‌کند و همه مراکز تشکیل دهنده یک ماهیت به آن ساختار می‌دهد که شخصیت آن را می‌سازد [۲۴].
- 22 ساختارهای مدرن متوجه مکان‌هایی می‌شود که الکساندر در مجموعه سرشت نظم) Nature of order) بناهای صرفاً معمار گونه را توصیف می‌کند. او این نوع معماری را ساخته ذهن معمار و نه برآمده از خواسته‌های مردم و در پیوند با آنها می‌داند.
- 23 به دلیل نیاز به رضایت‌نامه کتبی، نام شرکت کنندگان آورده نمی‌شود و به شماره از یکدیگر تمیز داده می‌شوند.
- 24 Theme

تشکر و قدرانی

لازم است از زحمات بی‌دریغ جناب آقای مهندس پوررکنی، مدیریت محترم سازمان نوسازی و بهسازی دزفول، آقای حسین حاتمی‌نیا و خانم آرزو صالحی کارمندان سازمان نوسازی و بهسازی دزفول کمال تشکر را داشته باشیم. نیز از خانم سرلک و آقای مسعودی از دانشجویان معماری دانشگاه جندی شاپور تشکر می‌کنیم.

مراجع

- [1] Seamon D., *A Way of Seeing People and Place: Phenomenology in Environment-Behavior Research*, in: Wapner S., Demick J., Yamamoto T., and Minami H.,(Eds.), *Theoretical Perspectives in Environment-Behavior Research*

[۲۱] ربوبی مصطفی و رحیمیه فرنگیس، شناخت شهر و مسکن بومی ایران در شرایط آب و هوایی گرم و نیمه مرطوب، تهران، انجمن دانشجویان دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.

[۲۲] کرزن جرج ناتانیل، *ایران و قضیه ایران*، جلد دوم، ترجمه وحید مازندرانی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، صفحه ۴۴۴.

[۲۳] نیکبخت نصرآبادی علیرضا، *جولایی سودابه و بریم نژاد لیلی، مقدمه‌ای بر پژوهش پدیدارشناسی در علوم پزشکی*، تهران، جامعه نگر، سالمی، ۱۳۸۸، صفحه ۷۷.

[24] Alexander Ch., *the Phenomenon of Life*, The Nature of order series, California, the Center for Environmental Structure, Vol.1, 2002, pp.85-105.

Environmental Psychology, Vol.2, 1982, pp.119-140.

[16] Tuan Y., *Space and Place: Humanistic Perspective*, in: Gale S. and Olsson G., (Eds.), *Philosophy in Geography*, 1979, pp.387- 427.

[17] Pallasmaa J., *The Geometry of Feeling: A Look at the Phenomenology of Architecture*, in: Nesbitt K., (Ed.), *Theorizing A New Agenda for Architecture, An Anthology of Architectural Theory 1965-1995*, New York, Princeton Architectural Press, 1996, pp.448-453.

[18] Tuan Y., *Topophilia: a study of environmental perception, attitudes, and values*, Colombia, Columbia University Press, 1990.

[۱۹] ربوبی مصطفی و رحیمیه فرنگیس، *شناخت شهر و مسکن بومی ایران در شرایط آب و هوایی گرم و نیمه مرطوب*، تهران، انجمن دانشجویان دانشگاه تهران، ۱۳۵۳، صفحه ۸۲.

[۲۰] نعیمه غلامحسین، *احیای مراکز خدماتی و بازار محله قلعه دزفول*، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۸، صفحه ۲۸.